

حتی تو خیال

عجب! معلوم نیست این آدما چرا این قدر جور و اجور هستند؛ یکی برای اینکه با تو راه یابد، باید کلی متش رو بکشی، آخرش هم نیاد! یکی دیکه هم هست و لش کنی، خودش دنبالت می دوه! من هنوز تو کف این آدما موندم...

اصلاً قضیه از اون جا شروع شد که خدا گفت: همه سجد کنن؛ منم که قبلش کلی کنجکاو بودم به دور آدم رو خوب بررسی کردم؛ هیچی اضافه نداشت! همه سجد کردند، ولی گفتم من که از این بهترم! ولی الان نمی فهمم بعضیا هستند هرکاری شون بکنی انگار نه انگار حتی تو ذنبش هم خدا رو فراموش نمی کنه...

آیت الله بخت قشنگ می گفت: «تو که می خوای نماز شب بخونی، بین از صبح تا حالا چند دقیقه با خدا بودی، بعد بر نماز شبت خود به خود بیدار می شی.» ای بابا! من که دارم همه چی رو به تون می گم!

خلاصه بعضیا هستند که تو خیالاتشون هم ول کن خدا نیستن! حتی تو خیال... اینها رو با هر طباپی که داشتم، کشیدم؛ اما کارم به جایی نرسید!

ایلی درنگ! حواس مون به خدا مون باشه؛ حتی تو خیال...

